

اندرزنامه‌ی معنوی به یکی از طلاب^۱

کلیدواژه‌ها:

تحصیل علوم دینی، انس با قرآن کریم، توسل به اولیاء خدا، پرهیز از محرمات، پرهیز از شبهات، توجه مؤکد به نماز شب، احترام به بزرگان.

قال أمير المؤمنين علي بن ابي طالب عليه السلام «الدهر يومان يوم لك ويوم عليك فإن كان لك فلا تبطره وان كان عليك فاصبر»^۲

روزگار بر دو گونه است. روزی بر کام تو و روزی به زیان و ضرر تو است. اگر روزگار به کامت شد، مبدا به عیش و نوش و خوش گذرانی و غفلت مشغول شوی و چنانچه به کامت نشد، صبر پیشه کن؛ یعنی مبدا ناکامی‌ها تو را از مسیر حق باز دارد و در انجام وظیفه کوتاهی کنی، ثابت قدم باش؛ همانند کوه.

و قال امير المؤمنين عليه السلام «قيمة كل امرء ما يحسنه»^۳ ارزش هر کس به اندازه هنر اوست. یعنی به اندازه کارهای خوبی است که انجام می‌دهد، به اندازه علم و دانشی است که به دست آورده و آن را بکار گرفته است.

برادر عزیز! حال که در عنفوان جوانی هستی و به فراگیری مقدمات علوم دینی اشتغال داری، سعی و کوشش کن در مسیر تحصیل علوم دینی و مقدمات آن دقیق و عمیق باشی تا در آینده پاسخگوی نیازهای علمی مسلمانان باشی؛ ضمناً همواره مراقب خویش باش که از مسیر حق و عدالت و تقوی منحرف نشوی و دو چیز را هیچ گاه ترک مکن؛ اول انس با قرآن کریم به خصوص در صبح و شام، دوم توسل به اولیاء خدا و اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، به‌ویژه حضرت بقیه الله الأعظم امام عصر روحی له الفداء^۴ و هر روز صبح با عرض سلام و دعا برای فرج آن حضرت به یاد آن حضرت باش و از مقام ولایت علمی استمداد کن که راهی جز این نیست. نماز شب را حتی المقدور ترک مکن و نمازهای یومیه را در اول وقت با جماعت انجام بده و در قم از حضرت معصومه سلام الله علیها و زیارت ایشان بهره بگیر که بزرگان ما از آن حضرت چیزها گرفته‌اند.

^۱ مجله پیام صادق، شماره ۲۴، مرداد و شهریور ۱۳۷۸، ص ۴

^۲ نهج البلاغه، نامه ۷۲

^۳ نهج البلاغه، حکمت ۸۱

در خاتمه تأکید می‌کنم از غیبت و دروغ شدیداً پرهیز نما و احترام بزرگان را - گذشته و حال - مراعات کن که موجب توفیق و برکت در عمر است و نیز از شبهات بپرهیز؛ غذای شبهه ناک، کلام شبهه ناک و تصمیم شبهه ناک که فرمود: «لا تقف ما لیس لک به العلم»^۴

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته.^۵

ملتمس دعا؛ محمدرضا مهدوی کنی ۱۳۷۸/۰۶/۰۲

^۴ سوره مبارکه اسراء، آیه ۳۶

^۵ متن فوق پاسخ به نامه شخصی یکی از طلاب حوزه علمیه قم است.

پاسخ به سؤالات اعتقادی یک دانشجو^۶

کلیدواژه ها:

هدف شیعه، هدف انقلاب اسلامی، فرهنگ شیعه، اصول دین، اهل بیت (ع)، انتظار ظهور حضرت مهدی (عج)، قرآن، توحید، نبوت، معاد، عدل، امامت، نماز.

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آیت الله مهدوی کنی

سلام علیکم؛

مدتی است که سؤالاتی در ذهن این حقیر - یک جوان علاقه‌مند و مشتاق به معارف شیعی - ایجاد شده که مناسب دیدم این سؤالات را از حضور مبارک شما پرسیده و از جواب‌های جنابعالی در جهت روشن شدن ذهن خویش استفاده نمایم. لذا خواهشمندم حتماً خودتان این سؤالات را مطالعه بفرمایید و در صورتی که صلاح دانستید، پاسخ‌های آن را برای حقیر روشن فرمایید.

با اجازه از شما به سؤالات می‌پردازم.

۱- آیا هدف شیعه و هدف انقلاب باید ظهور امام زمان باشد یا نه؟ در صورتی که پاسختان منفی باشد لطف بفرمایید با ذکر دلیل برای حقیر روشن بفرمایید و در صورتی که پاسخ مثبت باشد لطف کنید و به این سؤال پاسخ دهید که چه برنامه‌ی عملی را باید پی بگیریم تا ان شاء الله به این هدف نایل شویم؟

۲- خداوند متعال وقتی از سان را به زمین فرستاد، به جای اینکه ر ساله‌ی عملیه به آن بدهد، به جای اینکه کتب شهید مطهری بدهد، به جای اینکه ا سفار ملا صدرا به آن بدهد، یک کلمه برای ان سان‌ها فرمود: «فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مَنِّي هَدًى فَمَن تَبِعَ هَدَايَ فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»^۷ زمانی که هدایت برای شما آمد کسی که از هدایت تبعیت کند، هیچ خوف و حزنی نخواهد داشت. حال سؤال اینجا است. آیا این درست است که تمام ارزش‌ها در تبعیت از هدایت خلاصه می‌شود یا محور ارزش‌ها در شیعه چیز دیگری است؟ محور ارزش‌ها در

^۶ مجله پیام صادق، شماره ۲۵، مهر و آبان ۱۳۷۸، صص ۳۰ و ۴-۵^۷ سوره بقره، آیه ۳۸

فرهنگ شیعه چیست؟ در صورتی که محوریت ارزش‌ها در شیعه چیزی دیگر می‌باشد لطف بفرمایید با ذکر دلیل برای این حقیر پاسخ آن را روشن بفرمایید.

۳- از کجای قرآن و از کجای کلام اهل بیت علیهم السلام، می‌توان یقین حاصل کرد که اصول دین، این اصول دینی که دارند برای ما می‌گویند، یعنی توحید، نبوت، معاد و آن دو اصل که به عنوان اصول مذهب گفته می‌شود، از کجای کلام قرآن و کلام اهل بیت علیهم السلام آورده شده است؟ اولین کسی که گفته توحید، اصلی از اصول دین است کیست؟

با تشکر از اینکه به این سؤالات عنایت نمودید، ان شاء الله با جواب‌های خودتان، محبت نموده و ذهن این حقیر را در این رابطه روشن بفرمایید.

دانشگاه شهید بهشتی تهران - گروه فیزیک

بسم الله الرحمن الرحيم

برادر ارجمند، آقای سعید آزاد دام توفیقه

سلام علیکم و رحمه الله.

نامه‌ی شما را که محتوی پرسش‌هایی در مورد اهداف تشیع و انقلاب اسلامی و امثال آن بود، قرائت کردم و در حدود توان و مجال پاسخ‌های کوتاهی برای شما می‌نویسم و تفصیل آن را به وقت دیگر موکول می‌کنم. باشد که این پاسخ‌های کوتاه در رفع شبهات شما مفید و مؤثر باشد. ان شالله تعالی.

هدف شیعه در زندگی و در مسیر انقلاب

پاسخ سؤال اول: هدف شیعه در زندگی و در مسیر انقلاب، ایجاد فضا و جوی است که انسان‌ها بتوانند از امکانات خدادادی در حد توان و مقدرات، کمال بهره‌برداری را بکنند و این امکانات را به طور عادلانه در میان بندگان خدا توزیع کنند و آن را در مسیر کمال و سعادت واقعی خود و دیگران قرار دهند به گونه‌ای که هر کسی به فهم خود دست یافته، از آن راه رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی بهره‌گیرد و انتظار ظهور حضرت مهدی علیه السلام به همین منظور است که آن حضرت دنیا را پر از عدل و داد می‌کند و ریشه ظلم و ستم را از بین برمی‌کند. ولی باید دانست که انتظار ظهور حضرت مهدی علیه السلام تنها یک امید نیست بلکه امیدی است که امیدواران و منتظران حقیقی را از هم اکنون در مسیرمان هدف عالی قرار می‌دهد؛ البته در

صورتی که انتظار، انتظار واقعی بوده باشد قطعاً در ظرف امکانات موجود، منتظران به سوی سعادت و کمال و فضیلت گام بر می‌دارند. بنابراین ما در عالم تشیع دو هدف داریم؛ یکی هدف نسبی و مقدماتی و دوم هدف نهایی. هدف نسبی، آمادگی برای و صول به سعادت است و هدف واقعی و صول به مرحله سعادت که زمان ظهور آن حضرت است و انقلاب اسلامی می‌تواند مقدمه‌ی ظهور و صول به سعادت باشد. البته در صورتی که مجموعه‌ای از انسان‌ها با صداقت و صمیمیت در این وادی گام بردارند که هر گامی مرحله‌ای برای نزدیک‌تر شدن به وادی سعادت است. البته سعادت واقعی و نهایی بر پایه اعتقادات اسلامی و صول به لقاء الله است که آن مربوط به عالم آخرت است. اگر ما در زندگی دنیا در راستای هدف‌های الهی و انسانی گام برداریم، خداوند متعال را با سربلندی و رو سفیدی ملاقات خواهیم کرد و نتیجه صداقت و فداکاری‌های خود را خواهیم دید که خداوند متعال می‌فرماید: «یوم ینفع الصادقین صدقهم»^۸. روزی که صداقت صادقان به داد آن‌ها می‌رسد و باز می‌فرماید: «یوم لا ینفع مال ولا بنون الا من اتی الله بقلب سلیم»^۹. روزی که هیچ مال فرزندی سود ندارد مگر آنکه با قلبی پاک و سالم به پیشگاه خداوند آید.

هدایت الهی

پاسخ سؤال دوم: هدایت، خود ارزشی نیست. هدایت مانند چراغ است. مانند خورشید است که ارزش‌ها را می‌نمایاند و نشان می‌دهد. هر جا هدایتی هست معلوم می‌شود، راه و هدفی هست که باید آن راه را برای وصول به هدف طی کرد و ارزش‌ها وسیله‌ای است برای وصول به هدف که باید همراه انسان باشد تا از مسیر منحرف نشود.

ما شینی که به سوی مقصد می‌رود باید علایم راهنمایی را رعایت کند و ارزش‌ها علایم راه هستند. ارزش‌ها فضیلت‌هایی هستند که در مسیر سیر انسان باید نصب شده، علایم راه باشند. معرفت به این ارزش‌ها با هدایت الهی است که یا از طریق عقل یا از طریق وحی به وسیله‌ی انبیاء الهی حاصل می‌شود و شناخت آن‌ها نیاز به مراجعه به کتب آسمانی و عقلانی دارد که رساله‌ی عملیه می‌تواند گوشه‌ای از آن‌ها را بازگو کند و یا کتاب اسفار و یا کتب اخبار و تفاسیر هر کدام گوشه‌ای از نکات عقلانی و حیانی را در راستای تبیین ارزش‌ها متکفل می‌شوند. هدایت الهی به طور کامل جز از طریق کتاب، درس، بحث، تعقل و تجربه به دست نمی‌آید. هر چند هدایت الهی زیربنای فطری دارد ولی بنای آن بایستی با عقل یا وحی ساخته شود. وحی و عقل را به وسیله‌ی تفکر و تدبر و درس و بحث بایستی شکوفا کرد و به نتیجه رسید. آیا شما هدایت الهی را شخصاً به وسیله وحی دریافت می‌کنید یا آنکه انبیاء آمده‌اند؟ هر کسی به اندازه فهم و عقلش بایستی از گفته‌ها و

^۸ سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۱۹

^۹ سوره مبارکه شعراء، آیه ۸۹

هدایت‌های آنان بهره گیرد و این نمی‌شود به جز از طریق کتاب و رساله و اجتهاد و استنباط که «لیس للإنسان إلا ما سعی»: هر کسی به اندازه سعی و کوشش خویش به جایی و به چیزی می‌رسد و ناپرده رنج گنج میسر نمی‌شود. خداوند می‌فرماید: «وأنزلنا إليك القرآن لتبين للناس ما نزل إليهم». قرآن را نازل کردیم تا برای مردم بیان کنی و توضیح دهی و بازگو کنی. قرآن کتاب هدایت است و نیاز به بیان و تفسیر و تأویل دارد که به وسیله‌ی پیامبر و جانشینان وی برای مردم بیان شده است.

اصول دین اسلام

پاسخ سؤال سوم: اولین اصل از اصول دین اسلام، توحید است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در اولین پیام خود به مردم می‌فرمود: «قولوا لا إله إلا الله تفلحوا». یعنی اگر «لا إله إلا الله» بگویید رستگار می‌شوید و «لا إله إلا الله» کلمه توحید است که هر روز در هر نماز مسلمانان آن را تکرار می‌کنند و از صدر اسلام تا به حال آن را تکرار کرده‌اند و در هر روز و شب در مأذنه‌های مساجد با صدای بلند می‌گویند «أشهد أن لا إله إلا الله» و اما نبوت: اصل دوم نیز از شعارهایی است که مسلمانان هر روز و هر شب در نماز و اذان با صدای بلند می‌گویند «أشهد أن محمداً رسول الله» و اما اصل سوم معاد و اعتقاد به قیامت است که باز در هر نماز همه مسلمانان هر روز حداقل ده بار می‌گویند «مالک يوم الدين». یعنی خداوند مالک روز جزاست و این اصول سه گانه علاوه بر آنکه دلایل عقلی و نقلی فراوانی دارد، در تمام قرآن تکرار شده است و مسلمانان آن را شب و روز به یاد می‌آورند که هیچ‌گاه فراموش نشود و یکی از فلسفه‌های نماز پنج‌گانه همین است که مسلمانان هیچ‌گاه این اصول را فراموش نکنند و همواره صبح و شام آن را به یاد داشته باشند که فرمود «أقم الصلوة لذكري»^{۱۲} یعنی نماز را برای ذکر من و یاد من بر پا بدار؛ یعنی اگر می‌خواهی ذکر خداوند و یاد او همیشه زنده و پایدار باشد، نماز را به پای دار و آن را هیچ‌گاه ترک مکن که «إن الصلوة تنهى عن الفحشاء والمنكر»^{۱۴} یعنی نماز انسان را از کارهای زشت و ناپسند باز می‌دارد.

^{۱۰} سوره مبارکه نجم، آیه ۳۹

^{۱۱} سوره مبارکه نحل، آیه ۴۴

^{۱۲} سوره مبارکه حمد، آیه ۴

^{۱۳} سوره مبارکه طه، آیه ۱۴

^{۱۴} سوره مبارکه عنکبوت، آیه ۴۵

و اما اصل چهارم، عدل است که خداوند عادل است و به کسی ظلم نمی‌کند و آنچه انجام داده و می‌دهد بر پایه عدل و داد است و اگر ظلمی در دنیا وجود دارد مربوط به مردم است و «لایظلم ربک أحدا»^{۱۵} یعنی پروردگارت به کسی ظلم نمی‌کند و «أن الله لیس بظلام للعبید»^{۱۶} خداوند به بندگانش ستم نمی‌کند و عدل اساس دین است. پس خداوندی که ما را آفریده نیازی ندارد تا ظلم کند. همه چیز از اوست و همه در اختیار او است. بعضی از مسلمین چون نتوانسته‌اند مسائل را خوب درک کنند، عدالت را انکار کرده‌اند و می‌گویند کارهای خدا را با معیارها و مقیاس‌های بشری نمی‌توان ارزیابی کرد. خداوند هر چه بکند خوب است حتی اگر شمر را به بهشت ببرد هم می‌گوییم خداوند متعال هر چه می‌کند خوب است؛ ولی خداوند ما را با معیار مهم و شعور خودمان در قرآن هدایت فرموده و می‌فرماید: «أفجعل المسلمین کالفجار»^{۱۷} آیا ما مسلمانان را مانند فاجران و فاسقان قرار می‌دهیم؟ یعنی خداوند چنین کاری را نمی‌کند؛ یعنی عدل الهی اقتضاء می‌کند که مؤمن فداکار با فاجر ستمکار در یک ردیف قرار نگیرند.

و اما اصل امامت از اصولی است که همه مسلمین آن را قبول دارند. مگر می‌شود جامعه دینی بدون امام و رهبر باشد؟ حتی پیامبران مقام امامت را دارا بودند یعنی علاوه بر نبی، امام هم بودند. خداوند به حضرت ابراهیم علیه السلام می‌گوید «إنی جاعلک للناس اماماً»^{۱۸} یعنی پس از نبوت، من تو را امام و پیشوا و مقتدای مردم قرار می‌دهم و این مقام پس از نبوت است. وقتی پیامبران از دنیای فانی بروند، خداوند امت را بدون امام و رهبر رها نمی‌کند و لذا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، حضرت علی علیه السلام را در غدیر خم به امامت برگزید و به مردم معرفی نمود و فرمود: «من کنت مولاه فهذا علی مولاه» یعنی هر کس که من مولی و امام او هستم، این علی مولی و رهبر اوست و فرمود: «إنی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی» یعنی من پس از خود دو چیز گران قدر را برای شما باقی می‌گذارم؛ کتاب خدا و عترت خود یعنی امامان از اولاد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم که اگر از آن‌ها پیروی کردید گمراه نمی‌شوید و این دو تا روز قیامت از یکدیگر جدا نمی‌شوند و در قرآن نیز فرمود: «ما أسئلكم علیه أجر ال الموده فی القربی»^{۱۹} یعنی من از شما مردم هیچ اجر و مزدی نمی‌خواهم مگر مودت و محبت نسبت به اهل بیت و این اجر معنوی رسول خداست که در حقیقت به نفع خود مردم است

^{۱۵} سوره مبارکه کهف، آیه ۴۹

^{۱۶} سوره مبارکه حج، آیه ۱۰

^{۱۷} سوره مبارکه قلم، آیه ۳۵

^{۱۸} سوره مبارکه بقره، آیه ۱۲۴

^{۱۹} سوره مبارکه شوری، آیه ۲۳

که فرمود: «قل ما سئلتکم من أجر فهو لکم»: بگو آن اجر و پاداش که من از شما خواستم، به نفع خود شماست که پیروی از اهل بیت به سود خود مردم است تا از مسیر اسلام واقعی منحرف نشوند.

ان شاء الله تعالی موفق باشید. برادر شما محمدرضا مهدوی کنی

پاسخ به نامه‌ی یکی از طلاب^{۲۱}

کلیدواژه ها:

کتاب اخلاق، اخلاق عملی، دروس حوزه، توجه به واجبات، پرهیز از امور شبه‌ناک، توسل به اهل بیت (ع)، نماز شب، انس با قرآن کریم، ولایت مداری، خدمت به اسلام و مسلمین.

بسم الله الرحمن الرحيم

برادر گرامی، آقای هادی حسینی^{دام توفیقه}

سلام علیکم و رحمت الله

مرقومه‌ی جنابعالی را زیارت و قرائت کردم. نوشته بودید که نسبت به مطالعه‌ی کتاب اخلاقی و غیر درسی علاقه زیادی دارید؛ علاقه شما مورد تقدیر است. امیدوارم که روز به روز در این راستا توفیق بیشتری نصیب شما شود؛ ولی مع الأسف باید بگویم که جایگاه اخلاق و تفسیر قرآن و امثال آن در علوم و معارف دینی به قدری تنزل یافته که به عنوان علوم غیر رسمی و غیر درسی تلقی می‌شود و این از آفات حوزه‌های علمیه می‌باشد.

در هر حال احساسات پاک شما قابل ستایش است؛ البته فراموش نکنید که طلاب علوم دینی بایستی در دروس حوزه، جدی باشند و مخصوصاً ادبیات و منطق و صحیح خواندن و صحیح نوشتن و درست فهمیدن را کاملاً تمرین کنند و اصول عقائد را به روش جدید - که متناسب با نیازها و سؤالات روز باشد - فراگیرند. در اخلاق، به اخلاق عملی توجه خاص مبذول دارند و به واجبات اهمیت بدهند؛ نوافل - مخصوصاً نماز شب - را فراموش نکنند و همواره با قرآن مأنوس باشند و در حفظ و قرائت و فهم آن کوشا باشند.

^{۲۰} سوره مبارکه سباء، آیه ۴۷

^{۲۱} مجله پیام صادق، شماره ۲۹، خرداد و تیر ۱۳۷۹، ص ۸

اگر می‌خواهید موفق باشید، مواظب باشید از گناهان مخصوصاً غیبت، دروغ و ریا پرهیز کنید و حتی المقدور گرد کارهای شبهه‌ناک نگردید. در مسائل سیاسی پیرو مقام معظم رهبری مدظله‌العالی باشید و به صدای مخالفان گوش ندهید. همواره به حضرت بقیه‌الله‌الاعظم روحی‌له‌الفداء متوسل باشید و از وجود اقدسش یاری بخواهید و احترام استادان خود را نگه دارید. از نکات مهم در زندگی آن است که خود را وقف خدمت به اسلام و مسلمانان کنید که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: «خیر الناس أنفعهم للناس»، بهترین مردم کسی است که سودش به مردم بیشتر برسد.

ملتمس دعا

مهدوی کنی

پاسخ به نامه‌ی یکی از دانشجویان دانشگاه امام صادق (ع) ۲۳

کلیدواژه ها:

حضور قلب در نماز، تمرکز، غفلت، ذکرالله، خدمت به مردم.

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آیت الله مهدوی کنی مدّ ظلّه

با تحیت و سلام و آرزوی موفقیت و سلامتی

خواهشمندم که در صورت امکان، لطفاً به سؤالات زیر پاسخ فرمایید:

۱- اهمیت حضور قلب در نماز از چه جهت می باشد؟

۲ - منظور از حضور قلب چیست و چه فرقی با تمرکز حواس دارد؟

۳- چه راههایی را در راستای تحصیل حضور قلب پیشنهاد می فرمایید؟

با تشکر فراوان؛ وهاب دانش پژوه

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام علیکم و رحمت الله

اهمیت حضور قلب در نماز

جواب سؤال اول: اهمیت حضور قلب در نماز از آن جهت است که هدف از نماز اظهار عبودیت و ذکر و یاد خداوند متعال است که فرمود: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي»^{۲۴}؛ و ذکر الله بالاترین هدف از نماز و صلوه است؛ زیرا فوائد و آثاری دارد که «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَ لِذِكْرِ اللَّهِ أَكْبَرُ»^{۲۵}؛

نماز آثاری دارد و هدفی. آثار نماز فراوان است که از جمله باز داشتن انسان نماز گزار از کارهای بسیار زشت و از منکرات (کارهای ناپسند) است؛ اما هدف نماز ذکر الله است که با کلمه لام علت آمده «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» و شاید به همین لحاظ ذکر الله اکبر است چون هدف نهائی ذکر الله است و بقیه، آثار نماز است. پس مقصود از نماز حضور است؛ یعنی حضور در پیشگاه خداوند و غیبت از خویشتن «بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ»^{۲۶}؛

تفاوت تمرکز و حضور قلب

جواب سؤال دوم: تمرکز عین حضور نیست ولی می تواند مقدمه برای حضور باشد. ممکن است انسان نسبت به اذکار و افعال نماز تمرکز داشته باشد و هیچ یک از آنها را از یاد نبرد ولی در عین حال از باطن این امور غایب باشد. پس تمرکز مفید است که ملازم با حضور باشد.

پرهیز از محرمات و مشتبهات

جواب سؤال سوم: پرهیز از محرمات و مشتبهات، همواره به یاد خدا بودن، مخصوصاً ذکر لا اله الا الله و استغفار و لاجل و لا قوه الا بالله؛ البته به شرط آن که از تظاهر پرهیز نمایید و در واقع ذکر خفی و قلبی باید استمرار داشته باشد. تو سل به اولیاء الله، یاد مرگ و زیارت اهل قبور، خدمت به بندگان خدا و در یک جمله انس با قرآن کریم و پرهیز از لغویات و پرهیز از پرحرفی و پرگوئی و پرخوری و اوقات خویش را در خدمت خدا و بندگان خدا قرار دادن. در خاتمه شما را به اعتدال و میانه روی (اقتصاد) در تمام امور و صیت می کنم و این که اولویتها را در تمام امور فراموش نکنید و بدانید که «ماتوفیقی الا بالله»^{۲۷}؛

هدف اساسی نماز اظهار بندگی و ذکر الله است.

قال الله تبارک و تعالی: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي».

^{۲۴} سوره مبارکه طه، آیه ۱۴

^{۲۵} سوره مبارکه عنکبوت، آیه ۴۵

^{۲۶} سوره مبارکه رعد، آیه ۲۸

^{۲۷} سوره مبارکه هود، آیه ۸۸

نماز آثار و فوائد فراوانی دارد ولی هدف اساسی از آن اظهار بندگی و ذکر الله است. اهمیت نماز به آن است که انسان را از غفلت باز می‌دارد و به فطرت الهی باز می‌گرداند و دست کم روزی پنج بار صدای تکبیر و اذان آدمی را از سرگرمی به دنیا و کارهای غفلت‌زا به سوی خدا می‌خواند. نماز دل‌ها را صیقل می‌دهد و آن را جلا و نور می‌بخشد؛ چرا که خداوند، خود، به موسی کلیم الله می‌فرماید: «إني أنا الله فاعبدني و أقم الصلوه لذكرى»؛ همانا من خداوندم و جز من خدائی و معبودی برحق نیست. پس مرا پرستش کن و نماز را به یاد من و برای ذکر من بپا دار. و حرف «لام» که دلیل بر علت است بر این حقیقت دلالت دارد که هدف و علت غائی نماز، همانا بذكرالله است که خود فرمود «لذكرى». پس مقصود از نماز، حضور عبد در پیشگاه معبود است که معبود در همه جا حاضر و ناظر است و این بنده است که خود را از فضل حضور محروم کرده یا محروم شده است. نماز برای آن است که انسان از خویش غایب شده و به فیض حضور نائل آید.

آری «بذكر الله» قلب را به منبع هستی و حقیقت مطلق پیوند می‌دهد و انسان را با سرچشمه نور متصل می‌کند و در نتیجه حالت اطمینان و آرامش می‌یابد که خود فرمودند: «ألا بذكر الله تطمئن القلوب» آری به ذکر خدا دل‌ها آرام می‌گیرد، چون به جایگاه خویش برمی‌گردد.

بشنو از نی چون حکایت می‌کند از جدایی‌های شکایت می‌کند

سینه خواهم شرحه شرحه از فراق تا بگویم شرح درد اشتیاق^{۲۸}

رودخانه آنگاه که به اقیانوس می‌رسد، آرام می‌گیرد زیرا به خاستگاه خود برگشته است. «إنا لله و إنا اليه راجعون» نماز آثار و فوائد بسیار دارد که این بنده را توان احصاء آن نیست. قال الله تعالی: «و أقم الصلوه إن الصلوه تنهى عن الفحشاء والمنكر و لذكر الله أكبر» و «ذكر الله» از همه چیز برتر و بالاتر است. یعنی نماز فوائد فراوانی دارد ولی از همه برتر آن است که «ذكر الله أكبر» است و هیچ چیزی و هیچ عبادتی به پای آن نمی‌رسد.

حضور قلب در نماز اساس و روح نماز است.

اگر نماز «ذكر الله» است و برای یاد خداست پس حضور قلب در نماز اساس و روح نماز است و نماز بی حضور، صورتی بی روح است. این همه مقدمه و شرایط برای نماز از آن جهت است که انسان آماده حضور

^{۲۸} مثنوی معنوی، دفتر اول

^{۲۹} سوره مبارکه بقره، ۱۵۶

شود. طهارت ظاهر و باطن از وضو گرفته تا نظافت ظاهری و استقبال و اذان و اقامه و پرهیز از محرمات و مشتبهات و اختیار مکانی پاک و حلال، همه و همه برای آن است که دل بنده، آماده‌ی حضور شود. کراهت از صورت‌های اجسام دارای روح از امثال و اشباح و از مکان‌های مشغول کننده در حال عبادت، همه برای همان است. اگر طالب حضور باشی قطعاً پیش از نماز نیز دغدغه حضور خواهی داشت و هیچ گاه در غفلت مطلق فرو نمی‌روی و همواره با استغفار و ذکر و تسبیح خفی خدا را یاد می‌کنی. قال تعالی «و اذکر ربک فی نفسک تضرعاً و خفیة و دون الجهر من القول بالعدو و الآصال و لا تکن من الغافلین»؛ پروردگار خویش را همواره با حالت خوف و تضرع در دل به یاد آور و هرگز از غافلان مباش. در این آیه خداوند ذکر خفی و آهسته را توصیه می‌فرماید و از جار و جنجال ناخشنود است.

توسل به اولیاء خداوند و یاد مرگ و آخرت در تحصیل حضور قلب مؤثر است. گهگاهی به قبرستان عبور کن و روز تنهائی وحشت را به یاد آور و از گناهان و محرمات و غذاهای حرام و شبهه ناک پرهیز کن و از پر خوری و پرگوئی دوری گزین و از لغو کارهای بیهوده بپرهیز. خداوند سبحان، مؤمنان را به دوری از لغو تعریف می‌کند که «قد أفلح المؤمنون الذین هم فی صلواتهم خاشعون و الذین هم عن اللغو معرضون»^{۲۰} و به راستی مؤمنان رستگارند آنان که در نمازشان خشوع دارند و از کارهای لغو بیهوده روی گردانند.

آن که طالب حضور است، اوقات خود را در میان خدا و بندگان خدا تقسیم می‌کند. بخشی از عبادت در خدمت بندگان خداوند قرار دارد و بخشی در حضور خداوند و هر دو عبادت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «خیر الناس أنفعهم للناس»؛ بهترین مردم آن کس است که سودش به مردم بیشتر برسد و تنها به فکر خویش بودن حتی در عبادت، نوعی خودخواهی و خودپرستی است. برای حضور، انس با قرآن و کتاب خدا ضرورت دارد که کلام الله نازل است؛ چنانکه انس با دعاها و آمده و مأثوره از معصومین علیهم السلام نیز بسیار مفید است که ادعیه کلام الله صاعد است. در نماز توجه و تمرکز به الفاظ و اذکار مفید است؛ لکن باید دانست که تمرکز حواس، عین حضور نمی‌باشد و برای برخی از مردم گاهی مانع از حضور می‌شود؛ زیرا ممکن است تَوَعَّلَ آذَرُ الْفَاطِ وَ قَرَأَتْ، انسان را در این مرحله متوقف کند. در هر حال توجه به الفاظ بایستی مقدمه توجه به معنی باشد که سبب عروج نفس گردد. ان شاء الله تعالی. پروردگار دل‌های ما را همواره به ذکر و یاد خویش مشغول بدارد.

^{۲۰} سوره مبارکه اعراف، آیه ۲۰۵

^{۲۱} سوره مبارکه مؤمنون، آیه ۲۱

^{۲۲} فرو رفتن، غرق شدن

آمین

محمد رضا مهدوی کنی

۱۳۷۹/۴/۱۸

پاسخ نامه سفیر ایران در چین ۳۳

کلیدواژه ها:

مهاجرت فی سبیل الله، گسترش اسلام، کشور چین، شرکت در اجتماعات مسلمین.

اشاره:

مدتی پیش آقای [...] که در کشور چین به سر می‌برند، طی نامه‌ای جویای حال حضرت آیت الله مهدوی کنی شده بودند. معظم له نیز ضمن پاسخ به نامه‌ی ایشان، مطالب مهمی را خاطر نشان کردند. از آنجا که پاسخ نامه‌ی مذکور حاوی نکات مهم و ارزشمندی بود، شایسته دیدیم که متن آن را جهت استفاده‌ی خوانندگان گرامی درج نماییم.

بسم الله الرحمن الرحيم

برادر عزیز! از محبت شما که از بلاد غربت و دور از میهن اسلامی یادی از حقیر کردید، بسیار ممنون و سپاسگزارم و به شما و خانواده گرامی دعا می‌کنم. هرچند میدانم زندگی در دیار غربت و دور از میهن و بستگان و نزدیکان و هم‌کیشان دشوار است و به خصوص امر تعلیم و تربیت فرزندان و نوباوگان از لحاظ آموزش و از لحاظ اخلاق دینی با مشکل یا مشکلاتی روبه‌روست، ولی از سوی دیگر احساس وظیفه و انجام تکلیف و مأموریت دینی و اجتماعی، مشکل را آسان می‌نماید. شما می‌دانید که پس از ایمان به خدا و رسول

خدا صلی الله علیه و آله وسلم مهاجرت فی سبیل الله به منظور انجام وظایف اسلامی و انقلابی و تبادل و تعامل با ملت‌های گوناگون در راه اسلام و پیشرفت امور مسلمانان، از اصول اساسی فرهنگی و اقتصادی ما مسلمانان است و قرآن کریم درباره هجرت در آیات متعدد تأکید فراوان دارد و اصولاً اسلام، توسط مهاجران، به اقصی نقاط جهان وارد شده است؛ بازرگانان و فرهنگیان مهاجر به بسیاری از کشورها مسافرت و مهاجرت کرده، اسلام را به آن دیار به ارمغان بردند که آثار آن در همین کشور پهناور چین کاملاً مشهود است و بیش از پنجاه میلیون نفر مسلمان، در آن کشور موجود است و حتی در پایتخت بزرگ آن پکن نیز مشاهده می‌شود و جاده ابریشم، راه این مهاجرت‌ها بوده و بازرگانان ایرانی در این میان، نقش به‌سزایی داشته‌اند. هم‌اکنون پاره‌ای از واژه‌های ایرانی و دست‌نбسته‌های فارسی از فرهنگ اسلامی ایران در گوشه و کنار چین به یادگار مانده و به خصوص در بناهای مذهبی مانند مساجد و مدارس، این آثار دیده می‌شود و این افتخاری است برای مسلمانان ایرانی که بنا به فرموده پیامبر عظیم الشان صلی الله علیه و آله و سلم «اطلبوا العلم ولو بالبعین» علم را هرچند در چین فرا گیرید، به این دیار مسافرت کردند و معارف اسلامی را به آنجا بردند و از علوم و فنون چینی‌ها بهره گرفتند و به دستاوردهای علمی و فرهنگی دیگران، آگاه و آشنا شدند و در این فرایند، هم اسلام را به دیار کفر بردند و هم در این تعامل و تبادل، از علوم و تمدن اسلامی درآمیختند و تکامل بخشیدند و ناخالصی‌ها را از آن زدودند. مسلمانان تحت تربیت اسلامی، مقلد دیگران نبودند، بلکه با برخورد اندیشه‌ها، خوبی‌ها را گرفتند و فضیلت‌ها و ارزش‌های اسلامی را بر آن افزودند و خود و دیگران را در راستای تکامل و تعالی قرار دادند و مطالعه‌ی دقیق در تاریخ تمدن و علم نشان می‌دهد که مسلمانان، تنها دریافت‌کننده نبودند بلکه بیش از آنکه دریافت‌کننده باشند، مفیض و بخشنده بودند و مسیر تاریخ را تغییر دادند و همان‌گونه که قرآن فرموده: «لیظهره علی الدین کله»^۴ اسلام را جهان شمول کردند و در همه جا و در تمام فرهنگ‌ها و تمدن‌ها اثر گذاشتند و این نیاز به بررسی و دقت بیشتر دارد و وظیفه ما را سنگین‌تر می‌کند و متأسفانه امروز، از قافله دور مانده‌ایم و به خود فراموشی گرفتار شده‌ایم.

در خاتمه، تقاضا دارم سلام حقیر را حضور خواهران و برادران نمایندگی ابلاغ نمایید؛ امید است که همه شما با رفتار و گفتار شایسته و علم و عمل، سفیران خوبی برای اسلام و انقلاب باشید و علاوه بر وظایف و کارهای روزمره، مروجان باوفا و صادقی برای اسلام و تشیع و راه امام و انقلاب باشید و نیز سربازان صادق، ثابت قدم و فداکاری برای حضرت ولی عصر ارواحنا فداء باشید. ان شاء الله تعالی.

ضمناً یادآوری می‌شود که افزون بر حضور در جلسات دینی و عبادی نمایندگی، در مساجد و نمازهای جمعه و جماعت مسلمانان شرکت فرمایید و خود را از اجتماعات مسلمین، دور نگه مدارید که شرکت در اجتماعات، آثار دو سویه دارد.

والسلام، به امید دیدار.

پیام به مناسبت تدفین شهدای گمنام در دانشگاه امام صادق (ع) ۳۵

کلیدواژه ها:

شهدای گمنام، ایثار، شهادت، سالروز شهادت امام صادق علیه‌السلام.

بسم الله الرحمن الرحيم

«إن الله اشترى من المؤمنين أنفسهم وأموالهم بأن لهم الجنة، يقاتلون في سبيل الله فيقتلون ويقتلون وعدا عليه حقا في التوراه والإنجيل والقرآن، ومن أوفى بعهده من الله فاستبشروا ببيعكم الذي بايعتم به وذلك هو الفوز العظيم.»^{۳۶}

حفظ اسلام و دستاورد عظیم انقلاب شکوهمند اسلامی، به جز با ایثار و از خود گذشتگی و شهادت هزاران نهال نو شکفته بوستان مصلی انقلاب ممکن و میسر نبود. صداقت شهیدان در ایفای عهد دیرینی که با معشوق خود داشتند در جامه‌ی شهادت تبلور یافت. این عاشقان واصل با شنیدن نغمه‌های دلپذیر بشارت خداوندی با او معامله کرده و به فوز عظیم رسیدند و در مجالی کوتاه دانشنامه عشق و ایثار و شهادت دریافت کرده و به مقام قرب وصال دست یافتند و هم اکنون در قهقهه مستانه شان «عند ربهم یرزقون» اند.

^{۳۵} مجله پیام صادق، شماره ۳۸، آذر و دی ۱۳۸۰، ص ۶

^{۳۶} سوره مبارکه توبه، آیه ۱۱۱

آنچه امروز به عهده ما و دیگر هم‌زمان آن شهیدان عالی مقام است، رساندن پیام و حفظ میراث گران قدر آنان است. دانشگاه امام صادق علیه‌السلام برای گرامیداشت یاد و خاطره این عاشقان الله در روز ۲۵ شوال ۱۴۲۲ مصادف با سالروز شهادت حضرت ابی عبدالله صادق آل محمد صلوات الله علیهم پذیرای شش نفر از عزیزان گمنام خواهد بود تا عطر وجودشان همیشه در ضمیر وجود شاگردان مکتب امام صادق علیه‌السلام متبلور باشد. در پایان ضمن تقدیر و تشکر از کمیته تحقیق و تفحص مفقودان ستاد کل نیروهای مسلح توفیق روزافزون این عزیزان در نشر فرهنگ و عطر شهادت و خدمت به خاندان معظم شاهد را از خداوند متعال خواستارم.

پیام به اردوی بصیرت^{۳۷}

کلیدواژه‌ها:

اردوی بصیرت، دانشگاه امام صادق (ع)، رسالت دانشگاه، بصیرت، امیرالمؤمنین علیه‌السلام، توجه بیشتر به جنبه‌های مثبت، همت بلند.

بسم الله الرحمن الرحيم. قال الله تعالى «يرفع الله الذين آمنوا منكم و الذين أوتوا العلم درجات»^{۳۸}.

دانشجویان عزیز و گرامی! سلام علیکم و رحمت‌الله.

ورود شما را به اردوی بصیرت دانشگاه امام صادق علیه‌السلام خوش آمد می‌گوییم و برای همه شما سرانجامی نیک آرزو دارم. اینک که با انتخاب شایسته به این پایگاه دینی، علمی، آموزشی و تربیتی راه یافته‌اید، خدا را سپاس گوئید و هدف‌ها را مقدس و انگیزه‌ها را خالص و همت‌ها را عالی کنید که راهی دور و دشوار پیش رو دارید و بی‌تردید آینده مرهون کوشش و تلاش و ایمان شماست که خداوند فرموده: «وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى وَأَنْ سَعِيهِ سَوْفَ يَرَى»^{۳۹} امیدوارم مطالبی که در این اردو به سمع شما می‌رسد بر بصیرت بیفزاید و به

^{۳۷} مجله پیام صادق، شماره ۶۰، مهر-آبان ۱۳۸۴، ص ۹

^{۳۸} سوره مبارکه مجادله، آیه ۱۱

^{۳۹} سوره مبارکه نجم، آیه ۳۹ و ۴۰

برنامه‌ها و اهداف و رسالت دانشگاه بیشتر آشنا سازد که «العامل علی غیر بصیره کالسائر علی غیر الطریق»؛ آن که بی بصیرت به راه افتد، به بیراهه می‌رود و به مقصد نمی‌رسد. توصیه حقیر به شما عزیزان این است که در آغاز راه به جنبه‌های مثبت بیشتر توجه کنید و دانش آموختگان موفق دانشگاه را الگو قرار دهید و به نقطه‌های منفی و تبلیغات سوء گوش فرا ندهید و همواره به پایان راه بیندیشید که امیرالمؤمنین علیه السلام به فرزندش فرمود: «ارم ببصرک أقصى القوم» همواره به انتهای لشکر دشمن چشم بدوز و پیروزی را نصب العین خویش قرار ده.

همت بلند دار که مردان روزگار از همت بلند به جایی رسیده‌اند.

پیروزی و عزت از آن خدا و رسول و مؤمنان است. پیروز و سربلند باشید انشاء الله تعالی.